

سورة الاحقاف

١٢٥٢



دانشگاه شاهرود
دانشکده هنر

دانشکده هنر

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان پایان نامه:

«بررسی انسانهای درون قاب در نگارگری»

استاد راهنما:

جناب آقای مرتضی افشاری

عنوان پروژه عملی:

انسان و معماری (با نگاهی به نگارگری)

استاد مشاور:

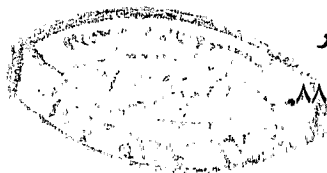
۱۳۸۸ / ۱۲ / ۱۶

جناب آقای دکتر علی اصغر شیرازی

نام دانشجو

سپیده نجفی پور

خرداد ماه و سال ۸۸



لیتو اطلاعات درک عملی
سپیده نجفی پور

۱۳۲۵۲۱



دانشگاه شاه
دانشکده هنر

به نام خدا

تمامی حقوق مادی و معنوی این پایان نامه تحصیلی متعلق به دانشگاه شاهد است و هر گونه نقل مطالب با ذکر نام دانشگاه شاهد، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است. دانشجویان در صورتی می توانند نسبت به چاپ مقاله مستخرج از پایان نامه خود اقدام کنند که مقاله مورد تأیید استاد راهنما قرار گرفته باشد. همچنین به هنگام چاپ مقاله ذکر نام استاد راهنما ضروری است. عدم رعایت موارد فوق موجب پیگرد قانونی است.

« معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی »

تاریخ ۸۸/۴/۲۴
شماره ۲/۲۱۹
پیوست



صور تجلسه دفاع

رساله نظری بررسی انسان های درون قاب در نگارگری
پروژه عملی: انسان و معماری (با نگاهی به نگارگری)

مربوط به خانم/ آقا سپیده نجفی پور رشته نقاشی در تاریخ ۸۸/۴/۲۳ برگزار و

نمره رساله، پروژه عملی، و میانگین آن به عدد ۱۹٫۱

و به حروف لژرده اعلام می گردد.

اعضای هیات داوران

۱- آقای مرتضی افشاری

۲- آقای دکتر علی اصغر شیرازی

۳- آقای خشایار قاضی زاده

۴- خانم مینا صدری

۵- آقای محسن مرآئی

امضاء

امضاء

امضاء

امضاء

امضاء

مدیر گروه رشته نقاشی

نام و نام خانوادگی:

۸۸/۴/۲۴

در درون قاب زندگی باید

کرد بخاطر خویشتن

و

در بیرون قاب زندگی

باید بگذرد بخاطر زیستن

تقدیم به فرشتگان زندگیم،

مادر و پدرم

تقدیم به یاوران همیشگیم،

نوشین و علیرضا

تقدیم به مشوقان مهربانم،

مهشید و کاوه



دانشکده هنر دانشگاه شاهرود

چکیده پایان نامه

این چکیده به منظور چاپ در نشریات دانشگاه تهیه شده است

عنوان پایان نامه: بررسی انسانهای درون قاب در نگارگری

استاد راهنما: جناب آقای مرتضی افشاری استاد مشاور: جناب آقای علی اصغر شیرازی

نام دانشجو: سپیده نجفی پور شماره دانشجویی: ۸۵۷۴۹۵۵۰۳ رشته: نقاشی

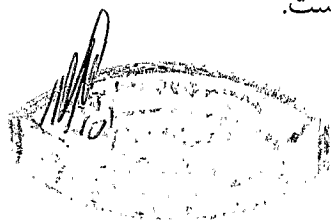
چکیده:

نگارگران ایرانی در طی دوره های متمدنی و مکاتب گوناگون همواره در نگاره هایی که معماری حضوری پررنگ داشته قاب بندیهایی مزین را به وفور در آثارشان به کار گرفته اند که همواره در درون آنها انسانهایی نیز حضور داشته اند. گویی این انسانها را تصویر کرده، قاب گرفته و بر دیوار بنا آویخته اند. این قابها ممکن است قاب در و پنجره و یا صحن یک ایوان باشند. این انسانها با قاب فرا گیرنده دور خود و همچنین با دیگر عناصر درونی قاب از قبیل تزئینات، گره چینی، آجر چینی، کاشی کاری، تذهیب و خط، یک ترکیب موزون، هماهنگ و دلچسب را ایجاد می کنند.

این انسانهای قاب گرفته شده به تنهایی نیز دارای یک نظام زیبایی شناسی واحد و جدا از کل نگاره و موضوع اصلی اثر می باشند اما با تمام این اوصاف وقتی آنها را در ساختار کلی نگاره بررسی میکنیم، می بینیم که کاملاً متناسب و هماهنگ با ساختار هندسی و موضوعی نگاره می باشند و به عنوان جزئی جدا ناشدنی از تقسیمات دقیق هندسی اثر محسوب می گردند. این امر نشان دهنده این مطلب است که نظام هندسی و زیبای شناسی دقیق و محکمی همواره در ساختار نگارگری ایران وجود داشته و نگارگران کاملاً با چگونگی استفاده از هندسه پنهان و تقسیمات صفحه ای حتی در کوچک ترین جزء های تصویر آشنایی و اشراف داشته اند.

واژگان کلیدی: انسان - قاب - قاب بندی - بنا - معماری - نگاره

نظر استاد راهنما: برای چاپ در نشریات مربوط به دانشگاه مناسب است.



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ث.....	پیشگفتار.....
۲.....	مقدمه.....
۱۰.....	فصل اول : سر آغاز.....
۲۵.....	فصل دوم : مکتب بغداد.....
۲۶.....	بررسی نگاره های مکتب بغداد.....
۵۴.....	فصل سوم : دوره سلجوقی.....
۵۸.....	بررسی نگاره های دوره سلجوقی.....
۶۸.....	فصل چهارم : مکتب تبریز.....
۷۱.....	بررسی نگاره های مکتب تبریز.....
۹۶.....	فصل پنجم : مکتب تبریز و بغداد جلایری.....
۹۸.....	بررسی نگاره های دوره جلایری.....
۱۱۲.....	فصل ششم : مکتب شیراز.....
۱۱۳.....	بررسی نگاره های مکتب شیراز.....
۱۳۳.....	فصل هفتم : مکتب هرات.....
۱۳۵.....	بررسی نگاره های مکتب هرات.....
۱۶۹.....	فصل هشتم : مکتب هرات بهزاد.....
۱۷۱.....	بررسی نگاره های مکتب هرات بهزاد.....
۱۹۴.....	فصل نهم : مکتب ترکمنان شیراز ، تبریز.....
۱۹۶.....	بررسی نگاره های مکتب ترکمنان شیراز ، تبریز.....
۲۳۰.....	فصل دهم : مکتب تبریز صفوی.....
۲۳۴.....	بررسی نگاره های مکتب تبریز صفوی.....
۲۷۶.....	فصل یازدهم : مکتب مشهد ، قزوین.....
۲۷۸.....	بررسی نگاره های مکتب مشهد ، قزوین.....
۳۰۷.....	فصل دوازدهم : مکتب شیراز صفوی.....
۳۰۹.....	بررسی نگاره های مکتب شیراز صفوی.....

۳۲۷.....	فصل سیزدهم : مکتب بخارا ، شیانیان.....
۳۲۹.....	بررسی نگاره های مکتب بخارا.....
۳۴۴.....	فصل چهاردهم : مکتب اصفهان.....
۳۴۷.....	بررسی نگاره های مکتب اصفهان.....
۳۶۷.....	فصل پانزدهم : دوره زند ، قاجار.....
۳۶۸.....	بررسی نگاره های دوره قاجار.....
۳۷۳.....	نتیجه.....
۳۸۸.....	فهرست تصاویر.....
۳۹۷.....	کتاب شناسی.....

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

در دوران تحصیل در دوره کارشناسی نقاشی دانشگاه یزد هرگاه برای طراحی و نقاشی از فضاهای معماری به بافت سنتی شهر می رفتیم همواره وجود قابهای زیبای در و پنجره ها و تقسیمات هندسی دقیقی که در کل بنا ایجاد کرده بودند برای من جذاب و تأثیر گذار بود و سعی میکردم این تقسیمات و قابها را با همان دقت و ظرافت وارد کار خویش کنم . در این بین انسانهای که در این قابها ظاهر می شدند و به فعالیتهای روزانه ی خویش مشغول بودند مرا به این فکر وا می داشتند ، که اینان انسانهایی هستند که قاب گرفته شده اند و بدون اینکه خود متوجه شده باشند در درون قابی که محیط و بنا برای ایشان تعریف کرده به زندگی خویش مشغولند.

وقتی در سالهای بالاتر با نگارگری ایرانی و ساختار هندسی به کار رفته در نگاره های آن آشنا گشتم، از دیدن انسانهای آشنای درون قاب در سر تا سر مکاتب نگارگری و آن هم به تعداد بسیار زیاد شگفت زده شدم و برایم بسیار جالب بود که ایرانیان در تمام دورانها به این تقابل تنگاتنگ که میان انسان و فضای معماری اطرافش صورت گرفته توجه داشته اند و از این اصل در آثارشان بهره برده اند. این امر مرا بر آن داشت که این قابها را از درون نگاره ها استخراج کرده و برای پروژه عملی پایانامه کارشناسی به صورت مجزا به نقاشی از آنها بپردازم . در خلال تجربیات کاری و تصویری که از باز بینی و خلق مجدد انسانهای درون قاب در نگارگری، به صورت منفک و جدا از ساختار کلی نگاره ، به دست آوردم متوجه این نکته شدم که این انسانهای درون قاب به تنهایی یک تابلوی کامل و بی نقص از نقاشی چهره و اندام آدمی می باشند و نگارگران قدیم در ترسیم آنها تمام اصول و قوانینی را که نقاشان، امروزه در طراحی و نقاشی از چهره پیکره به کار می برند ، به کار می گرفته اند و این اصول را به از نسلی به نسل دیگر انتقال و آموزش می داده اند .

این مسأله و موضوع انسانهای درون قاب فکر مرا به خویش مشغول ساخته بود تا اینکه در رساله کارشناسی ارشد تصمیم گرفتم که به صورت علمی و تئوری به تحقیق و بررسی نگاره های واجد این موضوع بپردازم . در یک مطالعه کلی در مورد پیشینه این تحقیق انجام دادم متوجه این امر گشتم که با

وجود وفور این گونه آثار در نگارگری هیچ گونه تحقیق و تفحصی تا کنون بر روی آنها صورت نگرفته است .

این امر باعث دشواری کار من در قسمت جمع آوری مطالب گردید زیرا که همواره با نبود و کمبود منابع تحقیقاتی و مطالب نوشتاری مواجه بودم و در نتیجه در بخش عمده ای از کار مجبور بودم به دانش و آموخته های خویش از این موضوع اکتفا کنم .

در نهایت با راهنمایهای خوب استاد راهنمایم جناب آقای افشاری و استاد مشاورم جناب آقای شیرازی و همچنین کمکها و صبوری های بی دریغ خانواده ام توانستم این راه صعب و دشوار که یک سال به طول انجامید را پشت سر گذارم و تحقیق قابل قبولی در رابطه با این موضوع ارائه دهم . در اینجا جای دارد که از یکایک عزیزانی که فرصت پرداختن به این کار را برایم فراهم نمودند به خصوص خانواده مهربان و دلسوزم تقدیر و سپاسگزاری کنم . باشد که این تحقیق پیش زمینه و راهگشایی باشد برای کسانی که به این موضوع و ساختار نگارگری اصیل ایرانی علاقه دارند و مایلند که این راه را دنبال کنند.

سپیده نجفی پور-تهران

خرداد ۱۳۸۸

۱۹۹۹

مقدمه

هر انسانی، یک حریم شخصی برای خود دارد که ویژه آن فرد است؛ یک قلمرو فیزیکی، روان شناختی و ارزشی که متعلق به خود اوست. این حریم را می توان به مفهومی به قابی تعبیر کرد که محیط زندگی یک فرد را در بر می گیرد و این قاب مانند یک چهارچوب و کادر در هنرهای تجسمی عمل میکند که باید دور یک اثر هنری قرار بگیرد تا در درون آن اتفاقات زندگی شخصی یک فرد تعریف پیدا کنند. این قاب از نظر اندازه و ویژگی های دیگر از فردی به فرد دیگر متفاوت است و هر فردی درون حریم و قاب زندگی خویش، از حقوق فردی بهره مند می شود، و اما در بیرون از این فضای شخصی و قابی که برای زندگی خویش تعریف کرده در حوزه ای اشتراکی با دیگران قرار می گیرد که در آن باید حقوق دیگران را نیز مورد توجه قرار دهد و جایی است که بر انطباق پذیری و سازگاری نیاز دارد.

حال اگر این مفهوم را انتقال دهیم و بر نگاره های ایرانی منطبق سازیم، متوجه می شویم که در سرتا سر تاریخ نگارگری ایران انسانهایی دیده می شوند که در درون قاب قرار گرفته اند. این انسانها در درون قاب تصویری خویش دارای یک داستان شخصی و حریم خصوصی خاص خود می باشند و در عین حال با قاب فرا گیرنده دور خود و همچنین با دیگر عناصر درونی قاب از قبیل تزئینات، گره چینی، آجر چینی، کاشی کاری، تذهیب و خط، یک ترکیب موزون، هماهنگ و دلچسب را ایجاد می کنند و حتی در پاره ای از موارد این قاب را با دیگران شریک می شوند.

این انسانهای قاب گرفته شده به تنهایی نیز دارای یک نظام زیبایی شناسی واحد و جدا از کل نگاره و موضوع اصلی اثر می باشند و می توانند به عنوان یک تابلوی مجزا نقد و بررسی شوند، بدون اینکه نقصی در ساختار ظاهری و معنایی آنها دیده شود. اما با تمام این اوصاف وقتی آنها را در ساختار کلی نگاره بررسی میکنیم، می بینیم که کاملاً متناسب و هماهنگ با ساختار و نظام هندسی و موضوعی نگاره می باشند و به عنوان جزئی جدا ناشدنی از تقسیمات دقیق هندسی اثر محسوب می گردند. این امر نشان دهنده ی این مطلب است که نظام هندسی و زیبای شناسی دقیق و محکمی همواره در ساختار نگارگری ایران وجود داشته و نگارگران کاملاً با چگونگی استفاده از هندسه پنهان و تقسیمات صفحه ای حتی در کوچک ترین جزءهای تصویر آشنایی و اشراف داشته اند و اصل وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را در آثارشان به کار می گرفته اند و کاربرد این نظام را در نگاره ها به شاگردان و نسل های

بعدي خورش آموزش مي دادند و اينگونه بود كه اين شيوه به صورت يك اصل و سستي ادامه دار در نگارگري در مي آمد و پيوسته دنبال مي شد .

اينجانب در اين تحقيق سعي بر اين داشته ام كه به بررسي هر دو جنبه انسانهاي درون قاب يعني هم به صورت مجزا و تكي و هم به صورت جزئي از كل نگاره پردازم . همچنين براي سهولت روند كار و تحقيق نگاره هاي منتخب را بر اساس دوره هاي شاخص و بارز نگارگري تقسيم بندي کرده و پس از معرفي تاريخي و ارائه ويژگي هاي كلي آن مكتب و نسخي كه نگاره از آن برگزيده شده به تجزيه و تحليل آثار پرداخته ام . كه اين روند تاريخي كه فصل بندي مطالب نيز بر اساس آن صورت گرفته و به پانزده مكتب قابل تقسيم بنديست ، كه از دوره عباسيان و مكتب بغداد در سده هفتم هجري آغاز و با قاجاريان در سده سيزدهم هجري پايان مي يابد . و همچنين در اولين فصل اين تحقيق به معرفي چگونگي حضور معماری در ساختار نگاره ها و ويژگي هايي كه تقسيم بنديهاي قابگونه درها و پنجره ها در اثر ايجاد مي كنند و همچنين به بررسي چگونگي انسانهاي درون قاب و مفهوم كلي آنها در نگاره ها پرداخته ام .

تعريف مساله و بيان سوالهاي اصلي تحقيق:

زمانی كه ما يك اثر نگارگري را نظاره مي كنيم ، دستخوش اين احساس مي شويم كه به باغ بي انتهایی قدم گذارده ايم كه هر گوشه از آن پر است از رنگ و نقش نگار و جلوه ي بار، در نتیجه به هر كنج و كنار چشم ميگردانيم تا ناپديده ها را ديده و هر چه را كه از نظر پنهان مانده را كشف نماييم. در اين مكاشفات وقتي به نگاره هايي مي رسيم كه در آنها بنا نيز موجود است متوجه مي شويم كه در هر قسمت از آن قاب هايي تزيين شده وجود دارد كه انسانهاي را در بر خود گرفته اند . گويي اين انسانها را تصوير کرده ، قاب گرفته و بر ديوار بنا آويخته اند. اين قابها ممكن است قاب در و پنجره و يا صحن يك ايوان باشند . و حال در بررسي اين انسانها و قابها اين سوالها مطرح اند كه :

۱- اين قاب بندي ها از چه دوره اي وارد نگارگري شده اند؟

۲- اين انسانها و قابها در طی دوران از لحاظ فرم و شكل ظاهري دستخوش چه تغييراتي

شده اند؟

۳- نقش اين انسانها در ساختار ظاهري و معنایی اثر چيست؟

پیشینه تحقیق

۱- جناب آقای پرویز حاصلی در مقاله ای با عنوان "نمودهای معماری در نگارگری" (مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۰) گفت:

«بکار بردن نظام هندسی که سابقه ای کهن در آثار دارد، در نگارگری نیز مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین مسئله در این مورد یافتن نسبت‌های قاب و تقسیم‌های اصلی در درون آن است. قواعد برش و تقطیع و برهم خوردن نسبت‌های معماری در نگارگری، خصوصاً نسبت فضا در ارتباط با انسان و سایر عناصر و همچنین نسبت فضاها و تزئینات که جلوه ای متفاوت با واقعیت معماری دارد، سبب شده تا شاکله‌ی جدیدی از معماری عالم قدس ظاهر گردد بیانگر جلوه‌ی دیگری از حقیقت معماری و نگارگری است.»

که این مقاله در رابطه با شکل تقسیم‌بندی‌های قابگونه‌ی موجود در معماری، برای تحقیق این جانب مفید می‌باشد.

۲- آقای پرویز حاصلی همچنین در پایان نامه‌ی (کارشناسی ارشد) خویش با عنوان "تجلی معماری در آثار نگارگری" (به راهنمایی: استاد مرتضی حیدری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵) می‌گوید:

«در تمدن اسلامی، صورتهای مختلف هنری هر یک جلوه‌هایی از فرهنگ اسلامی را به نمایش گذارده‌اند. در معماری جلوه‌ای از معنای مکان مقدس نشان داده می‌شود. از اینرو معماری اسلامی تجلی یک فضای مثالی و ملکوتی است که در این عالم خاکی تحقق پیدا کرده است و انسان را به این وسیله متذکر به خانه حقیقی خود می‌کند. از ویژگیهای اساسی نقاشی ایران در سده‌های نهم و دهم، همبستگی آن با معماری و ادبیات فارسی در این آثار است. وجود کاشی‌کاریها، تذهیب و خط و ... تداعی‌کننده فضای "روحانی" معماری در آثار نقاشی است. از طرفی این عناصر سبب می‌شوند که یک اتحاد شکلی بین اشکالی که در کل تصویر هست به وجود آید و موجب هماهنگی اجزاء تصویر گردد. استحکامی که به واسطه دیدار اثر معماری به بیننده القا می‌شود. در تصویر بنا در نقاشی ایرانی با استفاده از هندسه‌ای که در ترسیم اجزاء بکار رفته بوجود می‌آید. گره چینی، آجر چینی، کاشی‌کاری، تذهیب و خط هر یک به نوعی در قالب سطوح پر و خالی با تراکم‌های ویژه خود در معماری و نگارگری ایفای نقش می‌کنند. همچنین رابطه میان فضاها، معماری و نقوش انسانی در نگارگری خاص این شیوه نقاشی است.»

که این تحقیق میتواند پیشینه ای باشد که ارتباط میان فضاهاى موجود در معماری و قاب های ایجاد شده توسط در ، پنجره و ایوان ها درون آنها با نقوش انسانی به کار رفته شده در نگاره ها را بررسی کند .

۳- سرکار خانم مژده طباطبایی زواره در پایان نامه ای با عنوان " نقش انسان (اندام) در هنر نگارگری ایران با عنایت به هنر نگارگری صفوی" (استاد راهنما بهنام جلالی جعفری ؛ استاد مشاور نورایر ناظاریان) می گوید:

«هدف پژوهش شناخت کلی درباره سرچشمه ها و چگونگی تحول تاریخی ، نقش فرهنگی و اجتماعی محتوای فلسفی و زیباشناسی اندام در هنر نگارگری ایران در ادوار مختلف و خصوصاً دوره صفوی است. در این پژوهش با بررسی سیر تحول انسان (اندام) در نگاره های ایرانی در ادوار مختلف تاریخی می توان پی برد بینش نگارگر ایرانی از عرفان و تفکر صوفی بهره گرفته و از طریق ارتباط با ادبیات به عرفای اسلامی پیوسته و خود را نماینده عالم مثل ساخته که واقعیتهای مادی ندارد. در نتیجه کوه، درخت، پرند و آدم نوعی او هستند و الگوی انسان به معنی عام آن است.»

که این پایان نامه در مورد بررسی سیر تحول انسان های که در هر دوره درون قاب قرار دارند به اینجانب کمک خواهد کرد.

۴- سرکار خانم غزاله وطن پرست در پایان نامه ای با عنوان "معماری در نگارگری دوره ی دوم تبریز" (استاد راهنما خشایار قاضی زاده ، کارشناسی نقاشی دانشگاه هنر شاهد ، بهار ۸۲) می گوید:

«معماری در دو نوع عمده بر نگارگری تأثیر گذاشته ، که در نوع نخست در نظام هندسی و تقسیمات صفحه ای نگاره است و از سوی دیگر دومین تأثیر معماری بر نگارگری وجود خود بنا در این آثار است. نگارگری ایرانی بیشتر مبتنی بر تقسیم بندی های منفصل فضا های دو بعدی تصویر است زیرا فقط به این نحو می توان هر افقی از فضای دو بعدی نگارگری را به مظهر مرتبه ای از وجود و نیز جهتی دیگر از عقل و آگاهی دانست و حتی در آن تصاویری که نظامی یکنواخت و منفصل است ، نمای فضای نگاره کاملاً با هیئت دو بعدی خود از فضای طبیعی سه بعدی اطرافش متمایز شده است.»

که این تحقیق در مورد چگونگی تقسیمات دو بعدی و قابگونه ی ایجاد شده در نگاره ها توسط معماری موجود در تصویر ، همچنین در مورد چگونگی حضور معماری در نگاره های مکتب تبریز دوم و مکتب هرات به این جانب کمک کند.

۵- آقای مهدی بادیه پیمان در پایانامه ی دوره ی کارشناسی خود با عنوان " تصویر، حالات و ترکیب انسانها در نگارگری تبریز اول، هرات و تبریز دوم (استاد راهنما حبیب الله صادقی، کارشناسی نقاشی دانشگاه هنر شاهد، ۱۳۸۴) می گوید:

«در خلقت خداوندی تمام موجودات دارای شأن و مرتبه هستند. در این میان انسان اشرف مخلوقات است و چون مخلوق و آیه خداوندیست ارزشمند می باشد. و در نگارگری ایرانی به همان دقتی که به دیگر موجودات توجهی می شود به انسان نیز پرداخته می شود. و به واسطه انسان شرافت اشیاء شناخته می گردد، بنابراین سایر اجزای نگارگری در هارمونی و هماهنگی با انسان هستند، و انسان است که در ترکیب بندی کلی پویایی و تحرک ایجاد می کند.»

که این پایانامه پیشینه ایست که در آن به بررسی حالات و ترکیبات انسانها چه درون و چه بیرون قاب در نگارگری پرداخته است و برای این تحقیق بسیار مفید می باشد.

۶- سرکار خانم فرزانه پیری در رساله ای با عنوان " بررسی تطبیقی شکل سردر و محراب در نگارگری و معماری (دوران مغول، تیموری، صفوی)" (استاد راهنما جناب آقای محسن مراثی، کارشناسی نقاشی دانشگاه هنر شاهد، ۱۳۸۳) می گوید:

« اگر نگاهی از سر لطف بر هنر نگارگری بیاندازیم رابطه بسیار حساس و ظریف این هنر را با دیگر هنرهای اسلامی از جمله معماری و همچنین رابطه مشترک که سر در و محراب در بین این هنرها ایجاد کرده است در این بین خواهیم یافت. نگاهی به شاخص ترین دوره های نگارگری اسلامی ایران و دوره مکاتب هنری مغول، تیموری و صفویه، و توجه به ساختار زیر بنایی سر درها و محراب ها و نیز کنکاش در چگونگی بکارگیری نقوش هندسی در این آثار نمونه های مشابهی در معماری که در آنها هم به نوعی از این نقوش استفاده گردیده است از مباحث مشروحه در این تحقیق می باشد.»

که این تحقیق در بررسی شکل قابهای در و سر درهای محرابی و چگونگی تغییر و تحول آنها در طی دوران به این جانب کمک خواهد کرد.

۴- ضرورت انجام تحقیق:

با توجه به این نکته که در سراسر دوران نگارگری ما شاهد حضور قاب بندی ها و انسانهایی که در درون آنها قرار دارند، هستیم، با این حال تا کنون هیچ تحقیقی روی این موضوع صورت نگرفته است. از این رو اینجانب در تحقیق خود به بررسی سیر تحولی و ساختاری این انسانهای درون قاب وقابندی دور آنها خواهیم پرداخت.

فرضیه‌ها

حال با طرح مسأله و سوالات اصلی تحقیق فرضیاتی به شرح زیر در این تحقیق مطرح می‌شوند:

- ۱- به نظر می‌رسد که این قاب بندیها ، به آن شکل قابگونه ای که مد نظر ماست به مرور زمان وارد نگارگری شده اند و از ابتدا حضور نداشته.
- ۲- به نظر می‌رسد که قابها و انسانهای درون آنها از لحاظ فرم و شکل ظاهری به مرور زمان دچار تغییر و تحول شده اند.
- ۳- به نظر می‌رسد که این انسانهای درون قاب به طور مستقل دارای بار معنایی هستند ،اما از لحاظ ساختار کاملا مرتبط با کل اثر می‌باشند.

هدفها

هدف اصلی: بررسی سیر تکاملی و تغییر و تحول این قابها در طی دوران مختلف نگارگری از لحاظ فرم ، موضوع و محتوا

هدف فرعی: بررسی تاثیر نوع حکومت، شهر و فرهنگ در مصور سازی این انسانهای درون قاب

نتایج اصلی تحقیق حاضر، چه کاربردهایی خواهد داشت؟

با توجه به این نکته که هر یک از آثار نگارگری مانند یک کتاب گشوده شده در برابر دیدگان ما می‌باشند ، با ارائه ی این تحقیق می‌خواهیم بخش ناخوانده ی دیگری از این کتاب را به ناظرین بنمایانیم و آنها را متوجه اصول و رابطه ی زیباشناختی برقرار شده بین این انسانهای محصور ، قاب دور آن و فضای معماری اطراف ، نماییم و در نتیجه برای نقاشان جوان و مشتاقی که علاقه مندند از این اصول در آثار خود استفاده کنند ، باب تازه ای باز کنیم و راه را برای ایشان هموار نماییم.

ویژگی جدید بودن و نوآوری طرح چیست؟

در تحقیقات و بررسی هایی که تا کنون بر روی نگارگری صورت گرفته است ، تاکنون به رابطه ی انسانها و قابندی های دور آن ها به صورت مستقل و مجزا پرداخته نشده است. و در اکثر اوقات به عنوان جزئی کوچک از یک کل در نظر گرفته شده است. در این تحقیق سعی بر آن است که این جزء را به عنوان اثری که خود میتواند کاملا مستقل و مجزا از باقی اثر باشد بررسی کنیم به صورتی که خود تبدیل به یک کل و واحد مستقل شود و در عین حال ارزشهای بصری خویش را نیز حفظ کند و به صورت یک نگاره ی زیبا و وزین نیز در آید.

روش انجام تحقیق و روش گردآوری اطلاعات و ابزار آن:

روش انجام تحقیق بر مبنای ماهیت : توصیفی ، تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای ، اینترنت ، ترکیبی و به کمک وسیله ابزاری مانند شناسه برداری ، عکاسی و اسکن تصاویر صورت گرفته است .

معرفی جامعه آماری، روش نمونه گیری و تعداد نمونه:

جامعه آماری: کلیه ی آثار نگارگری در دسترس و موجود در کتب چاپی و خطی که در آنها رابطه ی انسان و معماری مطرح می باشد و روش نمونه گیری : روش انتخابی و نمونه های در دسترس بوده است .

تعداد نمونه: با توجه به تعداد نمونه های یافت شده ، حد اکثر ۱۰ اثر از هر دوره ی شاخص نگارگری در این تحقیق بررسی خواهد شد .

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

کلیه ی روش های کیفی در تجزیه و تحلیل اطلاعات به خصوص نشانه یابی، مقایسه گیری ، تشابه و تمایز در این بررسی به کار گرفته خواهد شد.

فصل اول:

((سر آغاز))